

نخواندن نماز جمعه در عدم زیر سایه تمکین و سلطه اسلام

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ
وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹) الجمعة

ای مؤمنان! هنگامی که روز جمعه برای نماز جمعه اذان گفته شد، به
سوی ذکر و عبادت الله بشتابید و معامله را رها کنید. این برای شما بهتر
است اگر بدانید.

در این آیه مومنان دستور به نماز جمعه داده شده‌اند. و سوره
جمعه در قول همه علما یک سوره مدنی است. (تفسیر قرطبی
ج ۸ ص ۹۱) پس آیه در دوران مدینه نازل شده است و این
در حالی است که نماز جمعه در مکه فرض شده اما خوانده
نشده در اینجا به قول ابن رجب بر می گردیم که چرا آن موقع
خوانده نشده است.

ابن رجب در فتح الباری شرح صحیح البخاری ج ۸ ص ۶۶ بعد از
نقل روایات و اقوال که اولین نماز جمعه توسط مصعب ابن
عمیر در مدینه خوانده شده است بعد می‌فرماید: پس روش
شد: که نبی صلی الله علیه و سلم در مدینه دستور به اقامه و
خواندن نماز جمعه داده، و در مکه نخواندند، و این می‌رساند
که جمعه در مکه بر ایشان فرض بوده است. و از جمله کسانی
که گفته‌اند: که جمعه در مکه قبل از هجرت فرض بوده است

،ابو حامد الاسفرايينی از علمای شافعی،و قاضی ابو يعلى در کتاب "خلافه الكبير" از علمای حنبلی،و ابن عقيل در "عمد الادله" و همچنین دسته‌ای از مالکيه ذکر شده از جمله السهيلي و غيره.

اما اينکه در مکه نخواندند،حمل می‌شود بر اينکه در دار الهجرة به خواندن نماز جمعه دستور داده اما در دار الحرب نه (فيحمل أنه إنما امر بها أن يقيمها في دار الهجرة، لا في دار الحرب)،و مکه هم در آن زمان دار الحرب بوده ،و مسلمانان در آنجا تمکين نداشتن که دينشان را آشکار کنند.و از جانهايشان می‌ترسيدند،و برای اين به مدینه هجرت کردند،و جمعه با عذرهای زيادی ساقط می‌شود از جمله خوف بر جان و مال.

(در اين زمان ما هم هر چند که فرض است اما سلطه و تمکين نداريم و هم اينکه هر کسی دينش را آشکار کند برچسب وهابی و ...و اعدام می‌خورد و در اين زمان خوف بر جان و مال از هر دورانی بيشتتر است و همه می‌دانند که هيچ کسی در اين زمان از ترس جان يا مال شان جرات گفتن حق را هم ندارد)

بعضی از متاخرين شافعيه به معنی ديگری اشاره کرده‌اند در اينکه چرا در مکه نخواندند،و آن اينکه هدف از نماز جمعه اظهار شعائر اسلامي است،و اين در دار الاسلام ممکن است.

و برای اين است که نماز جمعه در زندان خوانده نمی‌شود،هر چند که چهل نفر باشند،و در اين مورد خلافي بين علما ندیدم،

و از جمله این علما امام حسن بصری و ابن سیرین و امام نخعی و امام ثوری و امام مالک و امام احمد و امام اسحاق و غیره هستند.

و همچنین با قیاس بر این که اگر اسیران در کشور مشرکان در یک مکانی جمع شوند؛ در آنجا هم نماز جمعه نمی‌خوانند مانند اسیران در دار الاسلام و این اولاتر هم است.

خصوصاً که ابو حنیفه و اصحابش بر این هستند که اقامت در دار الحرب — هر چند که طول بکشد — حکم سفر را دارد، پس نمازش را همیشه قصر می‌کند، هر چند که مسلمان با اختیار خود در آنجا بماند، پس اگر به زور اسیر شده باشد چی؟

بنا بر این قول اینکه (وجود امام و خلیفه برای) اذن امام برای خواندن نماز جمعه، اظهر و درست‌تر است.

الله فرموده: **الَّذِينَ إِنَّ مَكْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا**

الصَّلَاةَ (الحج/ ۴۱) کسانی که در روی زمین به آنها تمکین دادیم نماز برپا می‌کنند. و علما در اینجا فرموده‌اند: که منظور نماز جمعه و عیدین است. یعنی با بوجود آمدن تمکین و سلطه نماز جمعه و عید برگزار می‌کنند.

همچنانکه معلوم است نماز جمعه دارای شروطی است بعضی شروط نماگزار و بعضی شروط برای غیر نماز گزار است.

این مسئله جدا از شروط نماز جمعه است و چون در هر زمانی یک دولت اسلامی بوده و فقها این شروط را با وجود

خلافت و دولت و سلطه بیان کرده‌اند در نتیجه کمتر به عنوان شرط مستقل آورده شده است اما فقهای حنفیه این مورد را بیان کرده‌اند.

شروط مصلی : (عقل – مرد بودن – حریت و آزاده – بلوغ – قدرت و توانایی – اقامت) أحكام القرآن لابن العربی ج ۴ ص ۱۸۰۳

- اما شروط غیر مصلی (المصر الجامع و مکان – سلطان – خطبه – جماعت – وقت)

در اضواء البیان ج ۸ ص ۱۷۷ آمده که نزد ابو حنیفه همچنانکه در "الهدایه" آمده: که نماز جمعه جزء در "مصر جامع" یعنی جزء در شهر درست نیست .

بعد ابن همام گفته: مصر جامع، هر شهری است که امیر دارد و قاضی که احکام را اجرا می کند و اقامه حدود می کند.

و در صفحه ۱۷۹ جلد ۸ گفته: و شرط استیطان (اقامت در وطن- مقیم-) نزد اکثر اهل علم شرط است. بعد گفته: وَمَعْلُومٌ أَنَّ

الْإِسْطِطَانُ يَسْتَلْزِمُ الْإِمَارَةَ شَرْعًا وَعَقْلًا. و معلوم است که استیطان شرعا و عقلا مستلزم وجود امارت است.

و کاسانی در بدائع الصنائع جلد ۱ صفحه ۲۶۱ گفته: وَأَمَّا السُّلْطَانُ

فَشَرْطُ أَدَاءِ الْجُمُعَةِ عِنْدَنَا حَتَّى لَا يَجُوزَ إِقَامَتُهَا بِدُونِ حَضْرَتِهِ أَوْ حَضْرَةِ

نَائِبِهِ. و اما سلطان شرط خواندن نماز جمعه است نزد ما که بدون وجود

سلطان یا نائش نماز جمعه جایز نیست برپا شود.

مرقاة المفاتيح ملا على القارى ۶/۲۳۳۹- عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَابْنِ الزُّبَيْرِ مَوْقُوفًا وَمَرْفُوعًا: «أَرْبَعٌ إِلَى الْوَلَاةِ الْحُدُودُ وَالصَّدَقَاتُ وَالْجُمُعَاتُ وَالْفَيءُ»

چهار چیز به دست والیان امر است حدود و زکات و جمعه و غنیمت. و همچنین از حسن بصری و ابنِ مُحَیْرِز و عَطَاءِ الْخُرَّاسَانِيِّ در مصنف ابن ابی شیبہ آمده که گفته‌اند: «الْجُمُعَةُ وَالْحُدُودُ وَالزَّكَاةُ وَالْفَيءُ إِلَى السُّلْطَانِ» جمعه و حدود و زکات و غنیمت به دست سلطان

است. (الفیء هو ما أخذه المسلم من الكافر الحربي بغير قتال) و در عمل نیز آمده که سید قطب هم نماز جمعه نرفته است. (کتاب التاریخ السری لجماعة الاخوان المسلمين، علی عشاوی ص ۲۰۹) نتیجه اینکه: این اهمیت توجه به خلافت و سلطان و خلیفه را می‌رساند. و با توجه به بیانات امام ابن رجب ما هم در این شرایط هستیم پس اگر کسی نماز جمعه نرفت و نماز ظهر روز جمعه را چهار رکعت خواند کاری خلاف شرع انجام نداده است .

سلیمان احمد- ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۳۸